

مهدویت در تفاسیر اهل سنت

ابوالفضل قاسمی*

مقدمه

قرآن معجزه الهی است که برای هدایت بشریت نازل شده است. عالمان جهان اسلام برای توضیح و تبیین این آیات تلاش‌های فراوانی کرده‌اند. کتب تفسیری ابزار کشف دیدگاه این عالمان درباره مسائل دینی است. قصد داریم در این نوشتار با بررسی کلی تفاسیر اهل سنت دیدگاه آنان را درباره «مهدویت» بیان کنیم. اندیشه اهل سنت درباره مهدویت در کتب مختلف تبیین شده است؛ ولی برداشت غالب از آن‌ها، این است که همه اهل سنت روایات مهدویت را پذیرفته‌اند؛ اما این نکته در تفاسیر بررسی نشده است که آیا همه مفسرین اهل سنت، روایات تفسیری مهدویت را قبول دارند؟

مفسران اهل سنت در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید خویش را نیز تبیین کرده‌اند؛ از این رو واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقشی مهم در فهمیدن عقاید آنان درباره این آموزه دارد. اکثر مفسران اهل سنت اصل مهدویت را پذیرفته‌اند و این موضوع را در ضمن آیاتی با نقل روایات یا در تحلیل و بررسی‌های خود بیان کرده‌اند.

متن تفاسیر قرون اولیه نقل محور است و تحلیل در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ ولی در تفاسیر قرن‌های اخیر می‌توان تحلیل درباره مهدویت را نیز دید؛ اما تعدادی از تفاسیر هستند که تحت تأثیر انکار احادیث مهدوی، احادیث ذیل آیات را ضعیف شمرده‌اند؛ اما مهم این است که می‌توان اصل مهدویت را به صورت متواتر در این منابع دید.

مفاهیم

مفهوم «تفسیر» و «اهل سنت» دو مفهوم اصلی این مقاله است که در این بخش به آن‌ها پرداخته می‌شود.

* دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه تهران.

۱. تفسیر

تفسیر در لغت از ریشه سفر یا فسر به معنای «روشن شدن، بیان و توضیح، جداسازی، برداشتن حجاب و پرده و بیان معنای الفاظ مشکل» است.^۱ راغب اصفهانی می‌گوید: «فسر و سفر همان‌گونه که از نظر لفظی قریب هم‌اند، از لحاظ معنایی نیز به یکدیگر نزدیک‌اند؛ با این تفاوت که فسر برای اظهار معنای معقول و مفاهیم نامحسوس و سفر برای نمودار ساختن اشیای خارجی و محسوس به منظور دیدن است؛ مثلاً می‌گویند: سفرت المرأة عن وجهها و اسفرت؛ زن صورت خویش را آشکار کرد. یا گفته می‌شود: اسفر الصبح؛ سپیده صبح پدیدار گشت».^۲

تفسیر در اصطلاح مفسران یعنی زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای منظور، نارسا و دچار اشکال است؛ به دیگر بیان، تفسیر یعنی تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره.^۳

۲. اهل سنت

مراد از اهل سنت در این نوشتار فرق و مذاهبی است که امامت حضرت علی علیه السلام را قبول ندارند و به خلافت خلفای اربعه باور دارند و از فرق شیعه به‌شمار نمی‌روند؛ از جمله آن‌ها فرق عقیدتی «اشاعره، ماتریدییه یا اهل حدیث» اند.

دیدگاه تفاسیر اهل سنت درباره اصل مهدویت

اصل منجی بشریت و موعود منجی در بین مذاهب اسلامی ثابت است. این موضوع در تفاسیر اهل سنت هم مشهود است. علمای اهل سنت ظهور مهدی موعود علیه السلام، تا آنجا پذیرفته‌اند که برخی از آنان با تمسک به روایات «من أنکر خروج المهدی فقد كفر بما أنزل علی محمد» و «من کذب بالمهدی فقد كفر»^۴ منکر امام مهدی علیه السلام را کافر می‌دانند.

تفاسیر اهل سنت درباره روایات مهدویت در ذیل آیات را می‌شود به دو دسته تقسیم کرد:
یک. عده کمی در تفسیر آیات مهدویت، روایات را ضعیف دانسته‌اند و آن‌ها را نپذیرفته‌اند و

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۸۱؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۲۴۷؛ سید مرتضی زبیدی واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۳۴۹ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۸۰.

۳. محمدعلی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ص ۱۸.

۴. یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۵۷.

مانند ابن خلدون با این روایات مخالفت کرده‌اند.

دو. بیشتر آنان در تفاسیر خود، روایات مهدویت ذیل آیات را پذیرفته‌اند.

نکاتی از کتب تفسیری برای توضیح مطلب بیان می‌گردد.

گروه اول: تفاسیر مخالف روایات مهدویت

در این بخش به سه نفر اشاره می‌شود که در تفاسیر خود به نقد دیدگاه روایات مهدوی پرداخته‌اند که عبارت‌اند از: طنطاوی، رشید رضا و ابن عاشور.

الف. تفسیر طنطاوی

تفسیر طنطاوی با نام الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم اثر طنطاوی جوهری، مفسر و عالم دینی سده‌های سیزدهم و چهاردهم است. این تفسیر مشهورترین اثر تفسیر علمی فراگیر دوران معاصر است. نویسنده آن در سال ۱۲۸۷ قمری در مصر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مراکز علمی مختلف قاهره گذراند. او نزدیک به سی عنوان کتاب دارد که در آن‌ها به علوم توجه بسیاری شده است. تفسیر جواهر از آخرین نوشته‌های اوست که در سال ۱۳۵۶ قمری پایان یافت. او در سال ۱۳۵۸ قمری درگذشت.

طنطاوی در تفسیرش می‌نویسد: «من کسی را ندیدم که بهتر از ابن خلدون احادیث مهدی را شرح داده و نقد کرده باشد. وی در سند روایات مهدی خدشه وارد کرده و من می‌خواهم این کلام را به‌طور مختصر بیان کنم تا عالم اسلام را از این انحراف دور کنم»^۱. این سخنان طنطاوی به پیروی از سخنان ابن خلدون است؛ چراکه او همان نقدهای که ابن خلدون را در نقد روایت مهدویت، خلاصه کرده است.

برخی با تمسک به نقدهای ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ق) درباره روایات مهدوی و موضع اصلی او در مسئله مهدویت گفته‌اند که او مخالف اصل مهدویت بوده است؛ ولی برخی دیگر گفته‌اند که او با اصل مهدویت مشکلی نداشته است؛ بلکه اشکال اصلی او به روایاتی بوده که در این موضوع وارد شده است. به نظر می‌رسد دیدگاه دوم صحیح است؛ زیرا ابن خلدون پیش از ورود به بحث درباره احادیث مهدویت، عقیده به ظهور مردی از اهل بیت را عقیده کافه اهل اسلام در طول تاریخ دانسته است و می‌نویسد: «بدان که در گذر روزگاران، میان همه پیروان اسلام، مشهور شد که ناگزیر در پایان دوران، مردی از خاندان نبوی سر برافرازد که به دین،

۱. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۱ و ۱۲.

استواری بخشید و دادگری پدیدار سازد و مسلمانان وی را پیروی کنند و بر سرزمین‌های اسلامی فرمانروایی کند و مهدی نامیده می‌شود»^۱.

وی به‌رغم اعتراف به یکی بودن اعتقاد به مهدی میان همه مسلمانان در قرون پیاپی، بعد از ذکر تعدادی از روایات مربوط به مهدویت و مهدی آخرالزمان و تقدس‌سندی آن‌ها، به تردید و تشکیک در این مسئله مهدویت پرداخته است. شاید بشود گفت که ابن‌خلدون درصدد انکار صریح مسئله مهدویت نبوده؛ بلکه بیشتر به شکل تردیدآمیز با روایات و احادیث مهدویت برخورد کرده است. بعید می‌نماید وی، که خود به اتفاق مسلمانان به این موضوع معترف بوده، بخواهد آن را انکار کند.

ب. المنار (تفسیر القرآن العظیم) نوشته رشید رضا

المنار تفسیری است ناتمام در دوازده جلد که با آیه ۵۳ سوره یوسف پایان می‌یابد. از اول قرآن تا آیه ۱۲۶ سوره نساء به انشای شیخ محمد عبده (متوفای ۱۳۲۳ ق) و املائی سید رشید رضا (متوفای ۱۳۵۴ ق) است. رشید رضا به پیروی از شیوه محمد عبده آن را ادامه داده است.

او به‌نقد روایت مهدویت پرداخته است و در سه جای تفسیر خود، روایات مهدویت را به‌وضوح انکار کرده است: سوره نساء آیه ۱۵۷، سوره اعراف آیه ۱۸۷ و سوره توبه آیه ۳۳. همه مطالب و ادعاهای وی درباره انکار مهدویت در ذیل آیه ۱۸۷ سوره اعراف بیان شده است. دلایل رشید رضا بر انکار مهدویت را می‌توان این‌گونه برشمرد:

• نادرستی روایات مهدویت؛

• تعارض روایات مهدویت؛

• نبود روایات مهدوی در صحیحین.

رشید رضا در جاهای متفاوتی از تفسیر خود به تعارض روایات مهدویت اشاره می‌کند و از صحیح نبودن و ناپذیرفتنی بودن آن‌ها دم می‌زند؛ ولی مبسوط‌ترین بحثی که در این‌باره ارائه می‌کند، بحثی بسیار طولانی در آیه ذیل است:

يَسْتَأْتِكُ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ

۱. «اعلم ان المشهور بين الكافة من اهل الاسلام على ممر الاعصار انه لا بد في آخر الزمان من ظهور رجل من

اهل البيت يؤيد الدين و يظهر العدل و يتبعه المسلمون و سيتولى على الممالک الاسلاميه و يسمى بالمهدي».

(ابن‌خلدون، مقدمه ابن‌خلدون، ص ۲۴۵)

تَقُلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْنَةً يُسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱؛ از تو درباره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو! علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را در موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است؛ جز ناگهان به شما نمی رسد. [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی. بگو! علم آن، تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وی در تفسیر این آیه سه مسئله را به نقد کشیده و بر جعلی بودن آنها تأکید می کند. او معتقد است که روایات مهدی علیه السلام، متعارض و جمع ناپذیرند و منکران فراوانی دارند؛ برای همین شیخین (مسلم و بخاری) در کتابهای خود به آنها اعتماد نکرده و چیزی از آنها را نقل نکرده اند: «اما تعارض در روایات مهدی قوی و ظاهر است و جمع بین این روایات سخت است و منکران فراوانی دارد و شبهه درباره آنها آشکار است؛ به همین دلیل مسلم و بخاری این روایات را در کتاب صحیح مسلم و بخاری نیاورده اند».^۲

ج. تفسیر التحریر و التنویر ابن عاشور

ابن عاشور محمد طاهر بن محمد (م ۱۳۹۳ ق) از فقهای مالکی است. وی در تونس منصب افتاء را بر عهده داشت و از داعیان اصلاح اجتماعی دینی در آنجا به شمار می رفت. تفسیر وی در سی جزء با رویکرد اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و سیاسی نگاشته شده است. او نیز به ساختگی بودن روایات مهدویت اشاره کرده است. او بدون استدلال، احادیث مهدویت را جعلی می داند؛^۳ اما استدلالهایش را در نوشتههای غیر تفسیری خود مثل جمهره مقالات و رسائی، بیان کرده است.

پاسخ به مفسران مخالف روایات مهدویت

استدلالهای این گروه از مفسران به تقلید از ابن خلدون در نقد مهدویت را می توان چنین جمع بندی کرد:

۱. اعراف: ۱۸۷.

۲. «و اما التعارض فی احادیث المهدی فهو اقوی و أظهر و الجمع بین الروایات فیہ اعسر و المنکرون لها اکثر و الشبهة فیها أظهر و لذلك لم یعتد الشیخان بشئی من روایاتها فی صحیحهما». (رشید رضا، المنار، ج ۹، ص ۴۳۵)

۳. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱ ص ۶۲۸.

الف. ضعف در اسناد روایات

عمده دلیل مخالفان مهدویت، برای اعتماد نکردن به اخبار، ضعف راویان آنهاست. پاسخ: روایات مهدویت در حد تواتر است. برخی سند صحیح دارند. برخی از آنها حسن و برخی ضعیف است. وجود حدیث ضعیف بین این احادیث نیز سبب تضعیف اصل مهدویت نخواهد شد؛ زیرا این احادیث در اصل مهدویت تواتر معنوی دارند. وقتی مجموعه احادیثی در یک موضوع متواتر شدند، نمی‌توان آنها را تضعیف کرد و از طرفی ضعف احادیث ضعیف، با احادیث صحیح و حسن جبران می‌شود.

محمد بن علی شوکانی از عالمان مشهور اهل سنت کتابی با عنوان التوضیح فی التواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح دارد. او در این کتاب تصریح کرده است که روایات مهدویت بدون شک متواتر است. محمد بن جعفر الکتانی در کتاب نظم المتناثر سخنان شوکانی را نقل کرده است:

قاضی علامه محمد بن علی شوکانی یمنی رساله‌ای دارد که عنوان او را التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح گذاشته است. در این کتاب گفته: احادیثی که درباره مهدی عجل الله فرجه، که امکان دسترسی به آنها وجود دارد، پنجاه روایت است که برخی از آنها صحیح، برخی حسن و تعداد دیگری ضعیف است که ضعف آنها قابل جبران است. بدون شک این روایات متواتر است؛ بلکه گاهی به روایتی که کمتر از روایات مهدویت بوده، بنا بر تمام مبناهایی که در علم اصول وجود دارد متواتر گفته شده است؛ اما روایتی که از صحابه آمده و در آن به مهدی تصریح شده است، زیادند که به همه آنها حکم مرفوع (روایتی که صحابی از پیامبر نقل می‌کند) داده می‌شود؛ زیرا محال است که آنها در چنین مسئله‌ای اجتهاد کرده باشند.^۱

قنوجی بخاری (۱۳۰۷-۱۲۴۸ ق) در این باره می‌نویسد: «احادیث وارد در باره مهدی، که

۱. «و للقاضی العلامة محمد بن علی الشوکانی الیمنی، رحمه الله رسالة سماها التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح قال فیها: والأحادیث الواردة فی المهدی التي أمکن الوقوف علیها منها خمسون حدیثاً فی الصحیح و الحسن و الضعیف المنجبر و هی متواترة بلاشک و لاشبهة؛ بل یصدق وصف التواتر علی ما دونها علی جمیع الاصطلاحات المحررة فی الأصول؛ و أما الآثار عن الصحابة المصرحة بالمهدی فهی كثيرة أيضاً لها حکم الرفع إذ لا مجال للاجتهاد فی مثل ذلك». (محمد بن جعفر الکتانی، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۷)

امکان وقوف بر آن‌ها میسر گردیده، پنجاه حدیث است که در بین آن‌ها صحیح، حسن، ضعیف و منجبر وجود دارد. این احادیث بدون هیچ شک و شبهه‌ای متواترند.^۱

عبدالعظیم بستوی نیز احادیث صحیحه مهدویت را در کتاب مستقلى به نام المهدى المنتظر فى ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفة همراه با مبانی رجالی صحت آن‌ها از دیدگاه اهل سنت جمع‌آوری کرده است.

ب. تعارض روایات

اساساً وجود تعارض در روایات نمی‌تواند باعث نامعتبر شدن مجموعه روایات درباره یک موضوع شود؛ بلکه در برخورد با روایات متعارض باید قواعد تعارض مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله این‌که بین خبر معتبر و نامعتبر تعارضی نیست؛ از این رو ابتدا باید اخبار ضعیف را جدا کرده و کنار گذاشت؛ سپس اگر باز بین روایات مورد اعتماد تعارض باقی بود تا آنجا که امکان دارد بین روایات جمع دلالی کرد و با قرائن و شواهد تنافی را برطرف نمود و در مرحله بعد، اگر قابل جمع نبود با عرضه روایات بر قرآن و قواعد محکم شریعت، یک جانب را ترجیح داد و اگر هیچ‌کدام از این راه‌ها به نتیجه نرسید، بدون اظهار نظر درباره صحت و ضعف هیچ طرف، به اصطلاح علم اصول، توقف کرد و علم آن را به اهلش واگذار نمود.

ج. وجود انگیزه برای جعل

از دلایل نفی روایات مهدویت، وجود انگیزه در جعل است. این استدلال از بقیه استدلال‌ها ضعیف‌تر است. وجود انگیزه برای جعل به هیچ وجه دلیل بر جعل نیست؛ بلکه فقط در این موارد باید به دقت حدیث را بررسی کرد و بعد از آن نظر نهایی را داد. انگیزه جعل در بسیاری از مباحث به نوعی وجود داشته است. آیا به صرف وجود احتمال انگیزه جعل، روایات را کنار می‌گذارند؟

گروه دوم: تفاسیر موافق روایات مهدویت

اکثر منابع تفسیری اهل سنت اصل مهدویت را پذیرفته‌اند و مفسران اهل سنت درباره موضوع مهدویت در تفاسیر خویش نکاتی را بیان کرده‌اند. متون فراوان این تفاسیر را می‌شود به طور خلاصه به دو دسته تقسیم کرد: مواردی که صریح به اصل مهدویت اشاره دارند و مواردی که به حوادث یا مسائل مربوط به مهدویت پرداخته‌اند که به بخشی از این موارد اشاره می‌گردد.

۱. قنوجی بخاری، الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدى الساعة، ص ۱۲۶.

۱. مواردی تصریح کننده به اصل مهدویت

آنچه به صورت صریح به اصل مهدویت اشاره کرده و به آن پرداخته‌اند، موارد متعددی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. قیام و خروج حضرت مهدی علیه السلام

در ذیل آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ تفاسیر مختلفی به بحث مهدویت اشاره کرده‌اند؛ مثلاً فخر رازی در تفسیر این آیه شریفه به نقل از سدی نوشته است که این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام است.^۲ قرطبی هم در ضمن همین آیه همین نکته را بیان کرده است که این آیه در هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام است.^۳

مهدی بشارت داده‌شده و برپاکننده قسط و عدل است. در ذیل آیه «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»^۴ در تفسیر ابن کثیر ضمن توضیح درباره این دوازده نقیب در این آیه شریفه به بررسی روایات دوازده خلیفه در منابع اهل سنت پرداخته و بیان کرده است که ظاهر این است که مهدی بشارت داده‌شده از این دوازده خلیفه است و اسم او مانند اسم پیامبر اسلام است و زمین را پر از عدل و قسط می‌کند؛ همان‌طور که پر از جور و ظلم شده است.^۵

ب. قیام حضرت مهدی علیه السلام، با شمشیر

سمعانی در ضمن تفسیر آیه «وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۶

۱. «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند». (توبه: ۳۳)

۲. «الْوَجْهُ الثَّانِي: فِي الْجَوَابِ أَنْ نَقُولَ: رُوي عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ: هَذَا وَعْدٌ مِنَ اللَّهِ بِأَنَّهُ تَعَالَىٰ يَجْعَلُ الْإِسْلَامَ عَالِيًا عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ وَ تَمَامَ هَذَا إِنَّمَا يَحْضُلُ عِنْدَ خُرُوجِ عِيسَى. وَ قَالَ السُّدِّيُّ: ذَلِكَ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ، لَا يَبْقَىٰ أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَوْ أَدَى الْخُرَاجِ». (فخرالدين أبو عبد الله محمد بن عمر الرازي، مفاتيح الغيب أو التفسير الكبير، ج ۱۶، ص ۳۳)

۳. «قال أبو هريرة و الضحاک: هذا عند نزول عيسى عليه السلام؛ و قال السدي: ذاك عند خروج المهدي؛ لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام أو أدى الجزية». (قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۱)

۴. مانند: ۱۲.

۵. «أَنَّ مِنْهُمْ الْمَهْدِي الْمُبَشَّرُ بِهِ فِي الْأَحَادِيثِ الْوَارِدَةِ بِذِكْرِهِ؛ فَذَكَرَ أَنَّهُ يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمَ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِيهِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا». (ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ص ۵۹)

۶. سجده: ۲۱.

«الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» را به قیام امام مهدی علیه السلام، با شمشیر تفسیر کرده و نوشته است: «وَالْعَذَابِ الْأَكْبَرِ هُوَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ بِالسَّيْفِ».^۱

موارد فراوانی در بین تفاسیر وجود دارد که ذکر آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد؛ همان‌طور که در ذیل آیات ۲۱ تا ۳۰ طه در تفسیر بیان‌المعانی علی حسب ترتیب النزول آمده است: «در فضیلت مهدی علیه السلام، آن قدر مطلب هست که قلم توانایی نوشتن آن را ندارد».^۲

۲. تفاسیر بیانگر حوادث یا مسائل مربوط به مهدویت

اصل مهدویت در این تفاسیر طرح نشده است؛ بلکه به مسائل و حوادث مربوط به مهدویت می‌پردازند؛ مانند نماز حضرت مهدی علیه السلام، و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام، به ایشان.

الف. شکست بنی اسرائیل و بازگرداندن اموال بیت المقدس

تفاسیر متعددی در ضمن تفسیر آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوعُوا وَجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيُبَيِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا»^۳ بیان کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام، اموال غارت رفته مسجدالاقصی را باز می‌گرداند.

ثعلبی در الکشف و البیان عن تفسیر القرآن چنین آورده است: «پیامبر خدا فرمود: این درباره زینت‌های بیت المقدس است و مهدی آن را به بیت المقدس برمی‌گرداند».^۴

ب. فتح قسطنطنیه

طبری و ثعلبی در تفسیر آیه «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

۱. سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۲،

۲. ملا حویش، بیان‌المعانی علی حسب ترتیب النزول، ج ۲، ۱۹۷، ذیل آیات ۲۱-۳۰ طه.

۳. اسراء: ۷-۸.

۴. «قال رسول الله، صلى الله عليه وسلم: فهذا من صفة حلى بيت المقدس ويرده المهدي إلى بيت المقدس».

(ثعلبی، ابواسحاق احمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۰ و سیوطی، الدر المثور فی التفسیر

بالمأثور، ج ۵، ص ۲۴۳)

عَظِيمٌ»^۱ نقل کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام، قیام می‌کند، قسطنطنیه را فتح کرده و آنان را می‌کشد.^۲

ج. سلام کردن بر اصحاب کهف

اسفراینی در تفسیر آیه «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»^۳ آورده است که امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان بر اصحاب کهف سلام می‌کند.^۴

د. اقتدای عیسیای نبی به مهدی علیه السلام

آلوسی در تفسیر روح المعانی نوشته است: «اکثر اهل علم این نظر را دارند که هنگام نزول حضرت عیسی پشت سر مهدی، رضی الله عنه نماز صبح را می‌خواند».^۵
موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که به مناسبت‌های مختلف مضامین مهدوی را مفسران اهل سنت در تفاسیرشان بیان کرده‌اند.^۶

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. ابی جعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱، ۶۹۹ و ابواسحاق احمد ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱، ۲۶۱.

۳. کهف: ۱۰.

۴. ابوالمظفر شافعی بن طاهر اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۳، ص ۱۳۰۷.
۵. «قد ذهب معظم أهل العلم إلى أنه حين ينزل يصلى وراء المهدي، رضی الله تعالی عنه صلاة الفجر».
(شهاب‌الدین محمود بن عبدالله الحسینی الألوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۱ ص ۲۱۴)

۶. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت، ج ۱، ص ۱۹۸ - و ابواسحاق احمد ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۲ و ج ۸، ص ۳۰۳ و ۳۱۲.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن المکرم، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
۴. اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تحقیق: نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۵. الألوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله الحسینی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۶. الرازی، فخرالدین أبو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۲۰ ق.
۷. الکتانی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، مصر، دارالکتب السلفية للطباعة والنشر.
۸. ثعلبی، ابواسحاق احمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ج ۴، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، تحقیق: محمد سید کیلانی، ۱۳۳۲ ش.
۱۲. رشید رضا، تفسیر القرآن العظیم (المنار)، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

١٥. سمعانى، ابوالمظفر منصور بن محمد، تفسير القرآن، تحقيق: ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس، عربستان، دارالوطن، ١٤١٨ ق.
١٦. سيوطى، عبدالرحمان، الدرالمثور فى التفسير بالمأثور، بيروت، دارالفكر.
١٧. طبرى، أبى جعفر محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، تقديم: خليل الميسى، تخريج: صدقى جميل العطار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ ق.
١٨. طنطاوى جوهرى، الجواهر فى تفسير القرآن الكريم، بى جا، بى نا، بى تا.
١٩. عسقلانى، ابن حجر، احمد بن على، لسان الميزان، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ج ٢، ١٣٩٠ ق.
٢٠. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق: دكتور مخزومى و دكتور سامرايى، قم، دار الهجرة، ج ٢، ١٤١٠ ق.
٢١. قرطبى، محمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، القاهرة، دارالكتب المصرية، ج ٢، ١٣٨٤ ق.
٢٢. قنوجى بخارى، أبى الطيب صديق بن حسن (صديق حسن خان)، الاداعة لما كان ورما يكون بين يدى الساعة، تحقيق: عبدالقادر الارناووط، دمشق، دار ابن كثير، ج ٢، ١٤٢١ ق.
٢٣. مقدسى شافعى، يوسف بن يحيى، عقد الدرر فى اخبار المنتظر، تحقيق: عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، عالم الفكر، ١٣٩٩ ق.
٢٤. ملا حويش، عبدالقادر آل غازى، بيان المعانى على حسب ترتيب النزول، دمشق، مطبعة الترقى، ١٣٨٢ ق.